

«نامداران تاریخ»

از عالمی خدمتگزار

سید محمد ثقفی



شرح حالی از نامداران تاریخ، گردآوری: عمران علیزاده، ۲ ج، ۴۶۸+۴۱۸، مصور، رقی.

انتشار کتاب «نامداران تاریخ» از استاد فرزانه جناب حاج میرزا عمران علیزاده، برای من، دو احساس رازنده کرد: نخست این که از شهر «تبریز» که روزی، روزگاری، شهر علم و دانش بود و چهره های بنامی را در عرصه فرهنگ، علم و ادب پرورانده، اکنون مدتی است که غبار غم بر چهره اش نشسته و شادی و نشاط از سیمایش غایب شده است، دوباره، نویسنده ای از تبار عالمان، کتاب هایی منتشر می سازد که می خواهد فرهیختگان تاریخ را به نسل امروزی معرفی کند.

دیگر آن که حتی در حال کنونی نیز، می توان به جای بدگویی و بدخواهی، خدمات مثبت گذشتگان را یاد کرد و زنده نمود و به جای تخریب، روش تبجیل را پیش گرفت که مؤمنان، نسل های پیشین خود را به خیر یاد می کنند و در دل خود به جای «کینه ریزی» و «بدخواهی» رافت و رحمت را برای همگان آرزو مینمایند.

به علاوه این که، احیای فرهنگ پیشینیان و انتقال آن به نسل امروزین و در نتیجه پیوست فرهنگی به جای «گسست فرهنگی» در زمینه تئوری «بازگشت به خویشتن» و بهره گیری از آنچه خود داشت» در ایجاد فرهنگ پویا در میان دو نسل گذشته و حال، رسالت علمی-فرهنگی بسیار ارزنده ای است که در شأن عالمان، نویسندگان مسئول و روشنگران خدمتگزار است. مگر نه این است که این قشر اجتماعی حاکمان غیر مستقیم جامعه، در پیوند فرهنگ ها و انتقال ارزش ها و بیداری ذهنیت ها دخالت دارند؟

جامعه و روشنفکران مردمی

روشنفکران، شهروندان عادی هستند، ولی از طرفی دیگر،

۱. مجله آفتاب، شماره ۱۵، سال دوم، اردیبهشت ۸۱. از مقاله «نقش روشنفکر مردمی در جامعه» نوشته الن لایت من، ترجمه حسن بشیر، ص ۴۸.

شخصیت‌های نسل‌های گذشته آشنا می‌سازد، و چرا و به چه دلیل باید «گذشته چراغ راه آینده» باشد و چگونه باید از «تاریخ» و «تاریخ‌سازان» پند گرفت، عبرت آموخت و ذخیره کرد.

فرهنگ تراجم‌نویسی

بی‌گمان، تراجم‌نگاری، یکی از رشته‌های علمی است که در نخستین سده‌های تاریخ اسلامی، پدید آمد. از آن‌جا که نهضت اسلامی و حوادث دوران‌ساز آن با همیاری پیامبر (ص) و یاران او، به وجود آمد؛ لذا مؤلفان مسلمان، پس از تحریر «سیره پیامبر» به نگارش سرگذشت و بیوگرافی صحابه و یاران گرامی او، دست زدند؛ مانند کتاب ارزنده «طبقات الصحابه» نوشته ابن سعد و اقدی در ۱۲ جلد که بخش مهمی از تاریخ اسلام را در بر می‌گیرد.^۲

ولی در زمان‌های بعدی، تحریر و نگارش زندگی اجتماعی جامعه اسلامی، تنها در بُعد نگارش تاریخ سرگذشت نخبگان، سرآمدان، و نامداران اجتماعی، خلاصه گردید که می‌توان به ابعاد فرهنگی و اجتماعی و علمی جامعه نیز، از این رهگذر، راه یافت.

نگارش کتاب «وفیات الاعیان» مورخ گُردتبار، ابن خلکان در قرن هفتم (۶۰۸-۶۸۱) دقیقاً به همین روش صورت گرفته است. انگاو که مؤلف، حیات اجتماعی جامعه را در پرتو زندگی نخبگان و اندیشمندان مطالعه می‌کند و به شرح حال «اولو النباهه»^۳ [فرهیختگان-تیزهوشان] جامعه اسلامی، می‌پردازد و از مشاهیر، اعیان و شخصیت‌های بزرگ اثرگذار، سخن می‌گوید. ادامه این روش تاریخ‌نگاری در نوشته ارزنده «اعیان الشیعه» سید محسن عاملی، و «الاعلام» زرکلی گویای این حقیقت اجتماعی و تاریخی است که تداوم فرهنگی و اجتماعی جامعه را باید در مطالعه زندگی، اعیان، اعلام و نامداران دنبال کرد و انتقال میراث فرهنگی را به نسل نوظهور، ادامه داد. در این کتاب‌ها، مؤلفان تنها به ابعاد سیاسی اشاره نمی‌کنند، بلکه ابعاد فرهنگی-ادبی-علمی رجال مورد ترجمه و بررسی قرار می‌گیرد و چه بسیار آثار ادبی، اشعار بدیع [فی المثل لامیات طغریایی] در

خدمتگزار عمومی‌اند. آن‌ها به تنهایی متفکران مستقلی هستند؛ ولی شخصیت انفرادی آنان، با روح و روان همه مردان و زنانی که قبل از آنها می‌اندیشیده و در میدان‌های فکری، مبارزه می‌کردند. عجین شده است.^۱ یا تا‌مور در کتاب خود، نخبگان و جامعه می‌نویسد:

روشنفکران متشکل از گروه‌های بسیار کوچک‌تری از افراد هستند که در خلق، انتقال و نقادی اندیشه‌ها، سهم مستقیمی دارند. این عده شامل نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان و فلاسفه، اندیشمندان مذهبی، نظریه‌پردازان اجتماعی و مفسران سیاسی، می‌باشند.

تعیین دقیق مرزهای این گروه، شاید، دشوار باشد و لایه‌های پایین‌تر آن با مشاغل طبقه متوسط، از قبیل معلمی و روزنامه‌نگاری، ادغام می‌شود، اما وجه مشخصه آن، یعنی ارتباط مستقیم با فرهنگ یک جامعه، به حد کافی، آشکار است.

روشنفکران را تقریباً در همه جوامع می‌توان یافت: در جوامع با فرهنگ پایین تا جوامع با فرهنگ پیشرفته‌تر. همچون فلاسفه، دانشمندان و شاعران، درام‌نویسان، کارگزاران دولتی یا وکلای حقوقی، روشنفکران، یک گروه مستقل اجتماعی‌اند. اگر یک طبقه اجتماعی، وجود داشته باشد که حاضر باشد ولو برای مدتی، منافع خصوصی خویش را کنار بگذارد، می‌تواند با وارسنگی لازم، خیر عموم را در نظر بگیرد. این طبقه، یقیناً، همان طبقه‌ای است که به واسطه آموزش فکری سخت خویش، دارای عناصر مساعد برای اصالت منش و افق‌های وسیع فکری و توانایی‌های گسترده، می‌باشد. آن طبقه، فقط آن طبقه‌ای است که آزادانه خیر نقد را برای دفع شر آینده، قربانی خواهد کرد.^۲

آری، فقط این گروه است که برای پیشبرد منافع کلی‌تر اجتماع، اقدام می‌کند و خیر همگان را بر منافع شخصی خود، مقدم می‌دارد، دانشمندان، نویسندگان و عالمان دلسوز در این طیف و گروه قرار گرفته‌اند و عهده‌دار رسالت تاریخی خود در بیداری امت‌ها، پیوست فرهنگ‌ها، اصالت دادن بر منش‌ها و شخصیت‌ها و احیای فرهنگ و تکریم رجال خدمتگزارند.

از این رهگذر، معلوم می‌شود که فرهنگ تراجم‌نویسی و بازگویی شرح حال اعلام، اعیان، نامداران و نخبگان چه جایگاهی در فرهنگ عمومی جامعه دارد و چه نقش و رسالتی را انجام می‌دهد، و چگونه نسل نو را با خدمات، اندیشه‌ها، منش‌ها و

۲. باتامور، نخبگان و جامعه، ص ۷۷-۸۰، ترجمه علیرضا طیب، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

۳. فرانتس روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۲، ص ۳۳۱، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۴. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۱۹، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۳۶۹.

است. استاد محمدعلی تربیت در «دانشمندان آذربایجان» به طور مختصر و کوتاه از موضع ایران دوستی و آذربایجان خواهی، مفاخر و دانشمندان آذربایجان را معرفی کرده، اما استاد علامه محمدعلی مدرس، یکی از عالمان به نام تبریز، در «ریحانة الادب» بسان دهخدا در لغتنامه، دائرةالمعارفی را در معارف جهان اسلام عرضه می دارد و اثر با ارزش و گرانسنگی به عنوان سند علمی در محافل اهل معرفت و دانش ارائه می دهد. استاد جعفر سبحانی ایشان را آغازگر آموزش رشته «رجال و تراجم» در دوره خفقان رضاخانی می داند که از خرمن دانش استاد دانشمند، خوشه ها چیده است.^۷

حرکت نوین فرهنگی

اخیراً فضلا و نویسندگان دانشمند آذری، به یک حرکت جدید فرهنگی، دست یازیده اند. این حرکت، آینده درخشانی را نوید می دهد که شاید دوباره آن نشاط قبلی را به رشته تراجم نگاری بازگرداند.

انتشار کتاب «مفاخر آذربایجان» نوشته عقیقی بخشایشی در ۵ جلد، «نامداران تاریخ» به قلم استاد عزیززاده، چاپ مجدد و با اضافات «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» تألیف دکتر مهدی مجتهدی، و تلاش های علمی استاد طباطبائی مجد و «سخنوران آذربایجان» استاد عزیز دولت آبادی، این حرکت را نشان می دهد.

رجال آذربایجان در عصر مشروطیت

در این میان، کتاب دکتر مهدی مجتهدی، سبق فضیلت را در تحریر تراجم و شرح حال بزرگان، از دیگران می رباید و فضیلت جامعیت را در مقایسه با همدردیفان خود، به خویش اختصاص می دهد. او شرح حال رجال را تقریباً در همه ابعاد بررسی می کند و با داوری بی طرفانه ای به ارزیابی حیات علمی و اجتماعی آنان می پردازد و همین طور تکمله های آقای غلامرضا طباطبائی مجد حسن فزون طلبی خواننده را برمی انگیزد که مطلب زیادی را به دست آورد.

۵. این کتاب، ایخرا به کوشش عالمانه آقای غلامرضا طباطبائی مجد، تجدید چاپ شده است.

۶. سهراب یزدانی، کسروی و تاریخ مشروطه ایران، ص ۳۷، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.

۷. جعفر سبحانی، مقدمه «شخصیت های اسلامی شیعه»، ص ۸، تصحیح مهدی پیشوایی، چاپ دارالتبلیغ اسلامی، قم ۱۳۵۴.

همین شرح حال ها نقل می شود.

مانند چنین کار عالمانه، در تاریخ علم و فرهنگ زبان فارسی، در کتاب بسیار ارزنده «چهار مقاله عروضی سمرقندی» است که شرح حال چهار طبقه از نخبگان فکری و علمی جامعه را به تحریر کشیده است.

شرح حال رجال آذربایجان

شاید، اولین اثر علمی که در مورد رجال علمی-فرهنگی و خاندان های آذربایجان در عصر حاضر نگارش یافته است، کتاب بسیار ارزنده «تاریخ دارالسلطنه» تبریز شاهزاده نادر میرزا است که به سبک جغرافیایی تاریخ عمده ترین رجال علمی و اجتماعی آن سامان را گزارش کرده است.^۵

ادامه این تاریخ نویسی را مرحوم دکتر مهدی مجتهدی برادر کوچک تر استاد علامه آیه الله میرزا عبدالله مجتهدی انجام داده است و کتاب خود «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» را دنباله کار «تاریخ تبریز» نادر میرزا می داند. او، حس وطن دوستی و ملی گرایی خود را در نگارش این کتاب نشان می دهد.

کسروی در تاریخ مشروطه و «تاریخ هیجده ساله آذربایجان» پدیده انقلاب مشروطیت را شرح می دهد و رجال و عناصر مهم اجتماعی حادثه را با گزارش واقع گرایانه خود به داوری می گذارد. داوری در کار علمی کسروی، مقاله دیگری می طلبد؛ اما تحلیلگران اجتماعی حتی امام خمینی (ره) نیز کار علمی او را ارج نهاده و او را به تاریخنگاری علمی می ستایند. دکتر مهدی مجتهدی نیز، گرچه به موضعگیری افراطی و انحرافی کسروی اشاره دارد (و حق نیز با او است) ولی کتاب تاریخ مشروطه کسروی را از منابع مهم کتاب خود «رجال آذربایجان» می داند. (صفحه ۳۶۸، چاپ جدید). تحلیلگران، کار علمی کسروی را با دقت عالمانه و استقرای علمی، توصیف می کنند که با «کنجکاوی به پدیده های تاریخی» می نگرسته است و از این جهت مورد تحسین دانشمندانی مانند علامه قزوینی و مینورسکی قرار گرفته است.^۶

ملاعلی واعظ خیابانی در «علمای معاصرین» از موضع یک عالم دین شناس، شرح حال رجال را مورد بررسی قرار داده

البته جا دارد که استاد طباطبایی مجد، این کار ارزنده را (چنان که وعده داده است) ادامه دهد و به تحریر زندگانی رجال معاصر بپردازد که جای چنین کار علمی در ادبیات تراجم نویسی شهر «تبریز» خالی است.

معرفی و شرح حال نویسی بزرگان و رجال که نخبگان عصر خود را تشکیل می دهند، کار پژوهشی زیادی را می طلبد. تنها اشارت مختصر و یادآوری تولد و وفات آنها، حسن علم خواهی و تکامل خواننده را اشباع نمی کنند.

سه نمونه بارز از این نوع کار تراجمی و شرح حال نویسی نخبگان و رجال اندیشه، سیاست و اجتماع در مقدمه «تاریخ بیداری ایرانیان» ناظم الاسلام کرمانی، «سیاستگران دوره قاجار» خان ملک ساسانی و «بازیگران عصر طلایی» خواجه نوری، به خوبی دیده می شود که چگونه به طور کافی، نه اطناب مُمل و نه ایجاز مخل، گزارش زندگی تلاش های علمی، اجتماعی آنان را گزارش می دهد و ارتباط فرهنگی نسل بعدی را با نسل های پیشین برقرار می کند. تو گویی که جزوات و رساله های «بازیگران عصر طلایی» خواجه نوری، روش نگارش شرح حال نویسی را بر نویسندگان آموزش می دهد و راه را برای بسط این گونه ادبیات می گشاید.

نامداران تاریخ

انتخاب اسم «نامداران تاریخ» آدمی را به یاد «تاریخ سازان» اوریا نا فالاجی روزنامه نگار معروف می اندازد، که گزارش حال سیاست بازان و تاریخ سازان معاصر را بازگو می کند. در آن کتاب نویسنده، به سراغ تاریخ سازان رفته است که اگرچه به زعم نویسنده، «تاریخ» را ساخته اند، ولی از طرف دیگر زندگی را تباہ کرده اند.

اما کتاب «نامداران تاریخ» از نویسنده تلاشگر و پرکار حجة الاسلام والمسلمین جناب حاج میرزا عمران عزیزاده، فرصت مغتنمی را برای تحقیق در این باره فراهم کرده است.

شهید قاضی طباطبایی (ره) در مقدمه «جنة الماوی» آية الله کاشف الغطاء از مرحوم استاد علامه محمدجواد مغنیه، مطلبی را نقل کرده است که استاد مغنیه، عالمان دینی را به دو طیف (صنف) تقسیم کرده است: نخست صنفی است که در فقه و فقاهت تخصص داشته و احکام حلال و حرام شریعت را تبیین می نمایند. این طیف از عالمان اسلامی، در جهان تشیع بسیار زیاد و فراوانند؛ امثال آية الله اصفهانی، آية الله حکیم و ... اما طیفی دیگر آن دسته از عالمان شیعی هستند که برای نشر تعالیم

اسلام، عظمت مذهب و بازگویی حقایق آن برای اقارب و اجانب، دفع شبهات و تهمت ها از حریم تشیع تلاش می کنند. این طیف عالمان، بسیار اندک بلکه کمیاب تر از طلای ناب اند. کاشف الغطاء،

سید محسن امین، علامه امینی و ... از این قبیل اند.^۸

اگر استاد مغنیه عالمان دینی را از بعد فرهنگی و کارکردگرایی تقسیم کرده اند، اما ابعاد اجتماعی آنان را مورد توجه قرار نداده است؛ ولی می توان، عالمان دینی را از منظر دیگری نیز مورد مطالعه قرار داد و ارزیابی کرد.

امروزه در عرصه اجتماعی ایران، در گذر دو دهه گذشته، عالمان دینی را با اوصاف مبارز و غیر مبارز، تقسیم بندی می کنند.

چنین عالمانی در جامعه ایران، تنها انحصار به گروه روحانیون ندارد. مرحوم مهندس مهدی بازرگان در مقاله ای، لیستی و تعدادی از این نوع خدمتگزاران به فرهنگ اسلام و ایران را نام می برد که هر کدام در مقام و پست خود، خدمت ارزنده ای از بعد اجتماعی، فرهنگی و انسانی به جامعه ایران تقدیم کرده اند.^۹

جناب آقای عزیزاده از این گروه اند. او، در حیطه خود، علم و ادب (به معنای اخلاقی و فرهنگی) را در خود جمع کرده است و اخیراً، دو جلد کتاب «نامداران تاریخ» را به جهان اسلام و فرهنگ دوستان عرضه داشته است. این کتاب مجموعه ای از تراجم، رجال، حدیث و اخلاق و ادبیات و عبرت های تاریخ را برای خواننده ارائه می دهد.

مؤلف در مقدمه کتاب از جفای روزگار، ستم هم لباسان و بی مهری همشهریان گله مند است و «مطالعه کتاب و تاریخ و سرگذشت رجال را رافع خستگی و وسیله سرگرمی و آرامش، تلقی می کند. (ج ۱، مقدمه، ص ۱ و ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۷)

اما باید توجه داشت که جفای روزگاران و بی مهری یاران، اگر احياناً موجب کدورت خاطر شده و ملالت افزوده، ولی گاهی نیز عامل توفیق و پیروزی می گردد. مگر نه این است که

۸. قاضی طباطبایی، مقدمه جنة الماوی، ص ۷۰، شرکت چاپ کتاب، تبریز، ۱۳۸۰ هجری.

۹. مهندس بازرگان، خدمتگزاران فرهنگ ایران، یادنامه دکتر کاظم سامی، ص ۴۵.

می شود و از خدمات اجتماعی و دینی و میهنی عالمان به ویژه مراجع سخن می رود. استاد در مقدمه این بخش از جفای روزگار و بی مهری همشهریان می نالد و گله مندی های چند نفر از عالمان سرشناس را بازگو می کند.

هرچند مردم آذربایجان از موضع آزادی خواهی در همه نهضت های اجتماعی ایران، حضور داشته اند و از موضع سرشناسی و خصلت آزادی خواهی در مقدم صفوف و احیاناً سد شکن بوده اند؛ اما همواره وطن خواهی و وطن دوستی خود را اثبات کرده اند، اما متأسفانه در بعدها تاریخ، با بی مهری و روبرو شده و چندان به مطلوب اجتماعی نرسیده اند و احیاناً احساسات تند و حساب نشده ای نیز، نشان داده اند.

نهضت مشروطه، با پیش گامی آذربایجان به ثمر رسید، مبارزات شیخ محمد خیابانی در عصره ضد استعماری معروف همگان است. در نهضت ملی، آذریان، پیشقدم بودند و بالاخره روز ۲۹ بهمن در تاریخ انقلاب اسلامی، یکی از ایام الله و حادثه ای فراموش نشدنی است که چگونه تبریزیان به پیروی از مرجع زمان بایک «گریه سیاسی» اوضاع اجتماعی حکومت ستمگر پهلوی را به هم ریختند و سهم بزرگی در پیروزی انقلاب دارند.

آذریان، ایران دوست و اسلام خواهند و هرگز در دفاع از کیان ایران و اسلام، کوتاهی نداشته و نکرده اند. برای خود فرهنگی دارند و رجالی همواره احترام انسانی-اسلامی و کرامت اجتماعی را می طلبند.

دکتر مهدی مجتهدی می نویسد: «ما، آرزومندیم که تمام مقررات قانون اساسی اجرا شود. انجمن های ایالتی و ولایتی با اقتدار و امتیاز کافی تشکیل یابد. مرکزیت شدید فعلی از بین رفته، آذربایجان آزاد، در ایران آزاد، به وجود آید. این آرزو مخصوص ما نیست بلکه آرزوی ایرانی های حقیقت بین و آزادیخواه و آذربایجان علاقه مند به ایران و وطن دوست جز این نمی باشد».^{۱۰} به نظر نگارنده این جنبش ادبی و فرهنگی تلاش بیشتری را می طلبد که از عهده یک عالم و نویسنده خارج است. اگر فضلا و فرهیختگانی امثال طباطبایی مجد، استاد علیزاده، همراه شخص سومی، گروهی را تشکیل دهند و این خدمت ارزنده را در فضای عالی تر و تحقیق بیشتر، انجام دهند، می توانند خدمات شایان تری به جامعه علمی کشور بکنند.

شهید ثانی کتاب «لمعه» را در زندان و خواجه طوسی «اخلاق ناصری» را در تبعید، ملاصدرا «شرح کافی» را در خلیجستان قم و جواهر لعل نهرو، «نگاهی به تاریخ جهان» را در زندان و مهندس بازرگان بسیاری از کتاب های خود را در تبعید و حبس نوشته اند؟ استاد کتاب را به سان دیگر نویسندگان، الفبایی شروع کرده است؛ روشی که ابن خلکان، مورخ شهر علامه مدرسی، محمدعلی تربیت، در پیش گرفته اند. کتاب تنها در مورد عالمان شریعت نیست، بلکه شمولیت دارد؛ گرچه در بخش آخر جلد دوم، از سرگذشت عالمان معاصر تبریز سخن می گوید. او در خلال کتاب احیاناً بالاتر و فراتر از دیگر نویسندگان می رود و به ابعاد مختلف زندگی «نامداران» می پردازد، و احیاناً با آوردن اشعار، آیات، احادیث، گفته ها و منقولات آنان خواننده را در فضای تعلیم و کلاس درس آن بزرگان قرار می دهد.

مطالعه شرح حال ابوالعلاء معری در صفحات ۴۰-۵۰، ج ۱، این موضوع را مدلل می سازد. احتمال می رود که استاد این روش را از ابن خلکان گرفته است که می توان کتاب او را در کنار الاغانی، ابوالفرج، یکی از کتب اربعه ادب عربی تلقی کرد. در گزارش حال حجر بن عدی، آدمی به فضای جهادی و مبارزاتی حجر، وارد می شود و شهادتنامه دروغین یاران دو چهره را علیه حجر گزارش می دهد که چگونه زمانه علیه نیکان برمی گردد و دو چهرگان علیه خوبان شهادت می دهند. (ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۷)

در جای دیگر، سخن از یکی از مادیون جهان معاصر و داروین دنیای عرب (شبلی شمل) است. گرچه او مادی بوده و از تئوری داروین سخن گفته، اما استاد از خصلت زیبای او در حمله به ستمگران و حق گویی او یاد می کند و سرانجام تواضع او را در برابر محمد (ص) و علی (ع) می ستاید. (ج ۲، ص ۲۹۲)

تألم از بی مهری روزگار

شاید جالب ترین بخش کتاب استاد علیزاده، گزارش حال عالمان آذری است که شرح حال آنان را در دو بخش «علمایی که دیده ام» و «علمایی که ندیده ام» گزارش می دهد. در این بخش تقریباً اوضاع نیم قرن اخیر یا لااقل بسیاری از آن، گزارش

۱۰. مهدی مجتهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، مقدمه صفحه ۱۳، چاپ جدید.